موضوع: نقد مسیر پیامبری، نقد و بررسی اشکالات

چگونگی محفوظ ماندن کامل قرآن

سخن در بررسی روایاتی بود که دلالت بر تدوین و جمع آوری قرآن بعد از رحلت رسول گرامی اسلام دارد. آیت الله خویی این روایت را نپذیرفته و بر آنها اشکالاتی وارد نموده اند. از جمله گفته اند: برخی از این روایات با برخی دیگر در تعارض است. در جواب این اشکال می توان گفت که تعارض مربوط به خصوصیات این واقعه است نه اصل واقعه و لذا از این جهت تعارضی نیست.

اشکال دوم

آیت الله خویی می فرماید: اشکال دیگر این روایت، تعارض آنها با روایاتی است که بیان می کند جمع قرآن توسط پیامبر اکرم (ص) صورت گرفته است:

« إن هذه الروايات معارضة بما دل على أن القرآن كان قد جمع ، و كتب على عهد رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فقد روى جماعة ، منهم ابن أبي شيبة وأحمد بن حنبل ، والترمذي ، والنسائي ، وابن حبان ، والحاكم ، والبيهقي ، والضياء المقدسي عن ابن عباس. قال : قلت لعثمان بن عفان : ما حملكم على أن عمدتم إلى الانفال وهي من المثاني ، وإلى براءة ، وهي من المئين فقرنتم بينهما ولم تكتبوا بينهما سطر : بسم الله الرحمن الرحيم؟ ووضعتموهما في السبع الطوال ، ما حملكم على ذلك؟ فقال عثمان : إن رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم كان مما يأتي عليه الزمان ينزل عليه السورة ذات العدد ، وكان إذا نزل عليه الشئ يدعو بعض من يكتب عنده فيقول : ضعوا هذا في السورة التي يذكر فيها كذا وكذا ، وتنزل عليه الآيات فيقول : ضعوا هذا في السورة التي يذكر فيها كذا وكذا ، وكانت الانفال من أول ما أنزل بالمدينة ، وكانت براءة من آخر القرآن نزولا ، وكانت قصتها شبيهة بقصتها ، فظننت أنها منها ، وقبض رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم ولم يبين لنا أنها منها ، فمن أجل ذلك قرنت بينهما ، ولم أكتب بينهما سطر : بسم الله الرحمن الرحيم ووضعتهما في السبع الطوال (منتخب كنز العمال ج ٢ ص ٤٨.).

در مورد ترتیب قرآن در زمان خلیفه اول گفته می شود ابتدا سوره های طوال ذکر شده و بعد از آن سوره های مأین که تقریبا 100 آیه دارند آمده است و بعد از آن سوره های مثانی که کوچکتر هستند قرار گرفته و در انتها سوره های تفاصیل که کوتاه هستند ذکر شده است. در این روایت عثمان در جواب سوالی که از او شده می گوید: در زمان پیامبر اکرم (ص) گاه سوره ای یا آیاتی نازل می شد و پیامبر (ص) می فرمود: ای سوره را در کجا و یا این آیات را در کدام سوره قرار دهید. از آنجا که سوره توبه از آخرین سوره های است که در مدینه بر پیامبر نازل شده است، آن حضرت چیزی در مورد محل قرار گیری آن نفرمود. این روایت نشان می دهد که سوره های قرآن در زمان پیامبر (ص) جمع شده و نظم و ترتیبی داشته است.

«وروى الطبراني ، وابن عساكر عن الشعبي ، قال: «جمع القرآن على عهد رسول الله (ص) ستة من الانصار : أبي بن كعب ، وزيد بن ثابت ، ومعاذ بن جبل ، وأبو الدرداء ، وسعد بن عبيد ، وأبو زيد وكان مجمع بن جارية قد أخذه إلا سورتين أو ثلاث » (منتخب كنز العمال ج ٢ ص 52).

وروى قتادة ، قال: «سألت أنس بن مالك : من جمع القرآن على عهد النبي؟ قال : أربعة كلهم من الانصار : أبي بن كعب ، ومعاذ بن جبل ، وزيد بن ثابت ، وأبو زيد » (صحيح البخاري باب القراء من أصحاب النبي (ص) ج ٦ ص ٢٠٢.)

در حدیث دوم طبرانی از شعبی نقل کرده که گفته است: 6 نفر از انصار قرآن را جمع آوری می کردند که عبارتند از: ابی بن کعب، زید بن ثابت، مغاذ بن جبل، ابودرداء، سعد بن عبید و ابوزید. اینان کل قرآن را نقل کرده اند اما مجمع بن جارجه نیز غیر از چند سوره بقیه را جمع کرده است.

در روایت دیگر قتاده از انس بن مالک پرسید: چه کسی قرآن را در زمان پیامبر (ص) جمع کرد گفت چهار نفر که همگی از انصار بودند: ابی بن کعب، معاذ بن جبل، زید بن ثابت و ابوزید.

«و روى مسروق : ذكر عبد الله بن عمرو عبد الله بن مسعود ، فقال: «لا أزال أحبه ، سمعت النبي (ص) يقول : خذوا القرآن من أربعة : من عبد الله بن مسعود ، وسالم ، ومعاذ ، وأبي بن كعب » (همان مصدر).

وأخرج النسائي بسند صحيح عن عبد الله بن عمر ، قال :

« جمعت القرآن فقرأت به كل ليلة ، فبلغ النبي (ص) فقال : اقرأة في شهر ... » (الاتقان النوع ٢٠ ج ١ ص ١٢٤). وستجئ رواية ابن سعد في جمع أم ورقة القرآن.

مسروق در روایتی می گوید من از پیامبر (ص) شنیدم که فرمود قرآن را از چهار نفر دریافت کنید: عبدالله بن مسعود، سالم، معاذ و ابی بن کعب. .

نسائی هم با سند صحیح از عبدالله بن عمر روایت کرده که گفت: من قرآن را جمع کردم و هر شب می خواندم. پیامبر (ص) به من فرمود: ماهی یک بار آن را بخوان.

زید ابن ثابت گفته است: «کنا عندرسول الله نالف القرآن من الرقاع» ما عده ای بودیم که قرآن را از روی رقعه ها تالیف می کردیم. اینها پراکنده بوده و توسط این کار جمع آوری شد.

«ولعل قائلا يقول وإن المراد من الجمع في هذه الروايات هو الجمع في الصدور لا التدوين ، وهذا القول دعوى لا شاهد عليها ، أضف إلى ذلك أنك ستعرف أن حفاظ القرآن على عهد رسول الله (ص) كانوا أكثر من أن تحصى أسماؤهم ، فكيف يمكن حصرهم في أربعة أو ستة؟!! وإن المتصفح لاحوال الصحابة ، وأحوال النبي (ص) يحصل له العلم اليقين بأن القرآن كان مجموعا على عهد رسول الله (ص) وأن عدد الجامعين له لا يستهان به. وأما ما رواه البخاري بإسناده عن أنس ، قال : مات النبي (ص) ولم يجمع القرآن غير أربعة : أبو الدرداء ، ومعاذ بن جبل ، وزيد بن ثابت ، وأبو زيد ، فهو مردود مطروح ، لانه معارض للروايات المتقدمة ، حتى لما رواه البخاري بنفسه. ويضاف إلى ذلك أنه غير قابل للتصديق به. وكيف يمكن أن يحيط الراوي بجميع أفراد المسلمين حين وفاة النبي (ص) على كثرتهم ، وتفرقهم في البلاد ، ويستعلم أحوالهم ليمكنه أن يحصر الجامعين للقرآن في أربعة ، وهذه الدعوى تخرص بالغيب ، وقول بغير علم.

وصفوة القول : أنه مع هذه الروايات كيف يمكن أن يصدق أن أبا بكر

كان أول من جمع القرآن بعد خلافته؟ وإذا سلمنا ذلك فلماذا أمر زيدا وعمر بجمعه من اللخاف ، والعسب ، وصدور الرجال ، ولم يأخذه من عبد الله ومعاذ وأبي ، وقد كانوا عند الجمع أحياء ، وقد أمروا بأخذ القرآن منهم ، ومن سالم؟ نعم إن سالما قد قتل في حرب اليمامة ، فلم يمكن الاخذ منه. على أن زيدا نفسه كان أحد الجامعين للقرآن على ما يظهر من هذه الرواية ، فلا حاجة إلى التفحص والسؤال من غيره ، بعد أن كان شابا عاقلا غير متهم كما يقول أبو بكر ، أضف إلى جميع ذلك أن أخبار الثقلين المتظافرة تدلنا على أن القرآن كان مجموعا على عهد رسول الله (ص) على ما سنشير إليه».[[1]](#footnote-1)

آیت الله خویی می فرماید: این روایات با روایاتی که می گوید قرآن در زمان صحابه جمع شده در تعارض است. در روایتی از قرطبی هم آمده که 11 نفر از صحابه مجموعه قرآن را جمع کردند[[2]](#footnote-2).

آیت الله خویی بعد می فرماید: ممکن است گفته شود مراد از جمع قرآن، وجود آن در سینه ها است، اما این سخن بی پایه است، زیرا اولا: در این روایات الفاظی به کار رفته که یا صریح و یا ظهور دارند که قرآن را می نوشتند. ثانیا: اگر مراد حفظ قرآن می بود حافظان قرآن این چند نفر نبودند، بلکه تعدادشان بسیار زیاد بود. ثالثا: این آمار که چند نفر بوده انند، ملاکی ندارد و می توان گفت افراد بیشتری بوده اند.

علامه طباطبایی نیز این روایات را آورده است اما مبنای ایشان با آیت الله خویی فرق می کند. علامه می فرماید در اینکه قرآن در مصحف واحدی با ترتیب بین سور بعدا جمع شده سخنی نیست و لذا به توجیه این روایات پرداخته و دو وجه را ذکر می کنند: یکی اینکه شاید مراد این باشد که در آن زمان به دستور پیامبر (ص) سوره ها را به نظم در آوردند. دوم اینکه آیات و سوره های قرآن که تدریجا نازل می شد را بدون نظم در یکجا گرد می آورند. لذا می توان به هر دو دسته روایات عمل کرد. نظم و ترتیب هم فی الجمله است.[[3]](#footnote-3)

به نظر می آید توجیه مرحوم علامه قابل قبول است پس تعارضی نیست .

اشکال سوم

آیت الله خویی در اشکال دیگری می فرماید: روایت جمع قرآن با روایت ثقلین در تعارض است، چون در این روایت تعبیر کتاب الله آمده است و مراد از آن این است که اولا کل قرآن جمع شده بوده و ثانیا آنچه بوده نوشته شده است، یعنی همه قرآن یکجا در آن زمان مکتوب بوده است. این حدیث نیز بیان گر آن است که قرآن به صورت مجموع و مکتوب در آن زمان بوده است.

در مورد این اشکال نیز همان جواب سابق مطرح است که این روایت دلالتی بر نظم کنونی قرآن در آن زمان ندارد.

اشکال چهارم

این روایات با اجماع مسلمین معارضه دارد، زیرا اجماع مسلمانان بر این است که قرآن کریم همه آیاتش به تواتر به ما رسیده است در حالی که روایات جمع می گوید برخی آیات به شهادت دو نفر نوشته شده است.

آیت الله معرفت در پاسخ گفته است: مقصود از متواتر بودن آیات قرآن در آن زمان این متواتر اصطلاحی نبوده است، بلکه مراد علم قطعی به قرآن بودن آن آیات است. این معنای تواتر که بیان می کند تعداد راویان به چه تعداد باشد، تعریف متاخرین است[[4]](#footnote-4). این اشکال وارد نیست زیرا اولا با دو نفر چگونه علم قطعی حاصل می شود؟ ثانیا: درباره تواتر دو اصطلاح نداریم، بلکه مراد همان است که تعداد افراد به اندازه ای باشد که علم به خلاف آن منتفی شود. تواتر یک اصطلاح منطقی است.

در مورد این روایات در نهایت می گوییم همانند پاسخ اشکال اول، مساله جمع قرآن وجه مشترک در روایات جمع است که مورد قبول است اما موارد اختلافی آن را قبول نداریم.

ادامه بحث انشاءالله در جلسه آینده بیان می شود.

﴿.....﴾ اللهم صل علی محمد و آل محمد

1. البیان فی تفسیر القرآن، آیت الله خوئی، ص 249- 252 [↑](#footnote-ref-1)
2. تفسیر قرطبی، ج1، ص 90- 91 [↑](#footnote-ref-2)
3. المیزان، علامه طباطبایی، ج12، ص 120 [↑](#footnote-ref-3)
4. التمهید، آیت الله معرفت، ج1، ص 286 [↑](#footnote-ref-4)